

# تبعات ترک قرض الحسنه در زندگی فردی و اجتماع

عبدالرحمن نجفی عمران  
استاد حوزه علمیه قم و دانشگاه بین المللی المصطفی (ﷺ)

## چکیده

انجام هر یک از واجبات و مستحباتی که دین مبین اسلام به آن سفارش نموده، فوایدی به دنبال دارد و ترک آن، موجب ورود ضرر و زیان های فراوانی است و یکی از مستحباتی که دین اسلام، تأکید فراوانی بر آن دارد، اعطای قرض الحسنه و وام بدون بهره به نیازمندان است که انجام آن، آثار فراوانی در دنیا و آخرت برای فرد و جامعه دارد. در شماره های پیشین ماهنامه اسوه، به بررسی آن پرداختیم و از آنجا که ترک آن تبعات زیادی در عرصه های اجتماعی به دنبال دارد، در این شماره به بررسی آنها می پردازیم و خواهیم دید که ترک قرض الحسنه، در هر یک از عرصه های فردی و اجتماعی، چه آسیب هایی به دنبال دارد.

کلید واژه: قرض الحسنه. تبعات. فرد. جامعه.

در آیات و روایات متعدد اسلامی، تبعات فراوانی برای ترک قرض الحسنه در دو عرصه های فردی و اجتماعی بیان شده است که در زیر به بررسی برخی از آنها می پردازیم:

## تبعات فردی ترک قرض الحسنه؛

### ۱. دوری از تربیت صحیح؛

اولین ضرر ترک قرض الحسنه در عرصه های فردی، عدم تربیت صحیح است، زیرا تربیت صحیح، تنها به آن نیست که آدمی به فکر فراهم نمودن امکانات مورد نیاز خود بوده و دیگران را از یاد ببرد، بلکه کسی که از تربیت صحیح برخوردار است، نظیر شمعی است که خود می سوزد تا به اطراف خود نورافشانی کند و اطرافیان او، از برکت وجودی او بهره مند شوند و نه تنها هرگز راضی نیست که خود سیر خوابیده و دیگران گرسنه بمانند، بلکه حتی از آن - که خود گرسنه بماند و دیگران را بر خود ترجیح دهد و آنان را سیر بیند، لذت می برد. چنان که در شأن نزول سوره ی انسان آمده است: «حسن و حسین (علیهم السلام) بیمار شدند و پیامبر (ﷺ) با جمعی از یاران به عیادتشان آمدند و به علی (علیه السلام) گفتند: ای ابوالحسن! خوب بود نداری برای شفای فرزندان خود می کردی.

حضرت علی (علیه السلام) و فاطمه (علیها السلام) و فضه که کنیز آنها بود، نذر کردند که اگر آنها شفا یابند، سه روز روزه بگیرند، چیزی

نگذشت که هر دو شفا یافتند و در حالی که از نظر مواد غذایی دست خالی بودند، علی (علیه السلام) سه من جو قرض نمود و فاطمه (علیها السلام) یک سوم آن را آرد کرد و نان پخت، هنگام افطار، سائلی بر در خانه آمد و گفت: السلام علیکم اهل بیت محمد (ﷺ)، مستمندی از مستمندان مسلمین هستم، غذایی به من بدهید، خداوند به شما از غذاهای بهشتی مرحمت کند.

آنها همگی مسکین را بر خود مقدم داشتند و سهم خود را به او دادند و آن شب جز آب ننوشیدند.

روز دوم را همچنان روزه گرفتند و موقع افطار، وقتی که غذا را آماده کرده بودند، یتیمی بر در خانه آمد و آن روز نیز ایثار کردند و غذای خود را به او دادند و بار دیگر با آب افطار کردند و روز بعد رانیز روزه گرفتند.

در سومین روز، اسیری به هنگام غروب آفتاب بر در خانه آمد، باز سهم غذای خود را به او دادند، هنگامی که صبح شد، علی (علیه السلام) دست حسن و حسین (علیهم السلام) را گرفت و خدمت پیامبر (ﷺ) آمدند و هنگامی که پیامبر (ﷺ) آن ها را مشاهده کرد، دید از شدت گرسنگی می لرزند!

فرمود: این حالی را که در شما می بینم، برای من بسیار گران است، سپس برخاست و با آنها حرکت کرد و هنگامی که وارد خانه ی فاطمه (علیها السلام) شد، دید در محراب عبادت ایستاده، در حالی که از



شدت گرسنگی، شکم او به پشت چسبیده و چشم‌هایش به گودی نشسته، پیامبر (ﷺ) ناراحت شد.

در همین هنگام جبرئیل نازل گشت و گفت: ای محمد! این سوره را بگیر، خداوند با چنین خاندانی به تو تهنیت می‌گوید، سپس سوره‌ی "هل اتی" را بر او خواند. (سمرقندی، پینا: ۳/۵۲۷).

ماجرای فوق، بیانگر آن است که اهل بیت (علیهم‌السلام) از آنکه خود گرسنه بمانند و دیگران را سیر ببینند، لذت می‌برند، نه آنکه خود را سیر نمایند و فکری برای رفع مشکل دیگران نداشته باشند. به همین جهت در روایتی از نجیح آمده است که امام حسن مجتبی (علیه‌السلام) را در حالی دیدم که مشغول غذا خوردن بود و در مقابلش سگی بود که هر لقمه‌ای که آن حضرت می‌خورد، مثل آن را به سگ می‌خوراند، پس به او گفتم: ای پسر رسول خدا! آیا این سگ را از غذای خویش نمی‌رانی؟ فرمود: او را رها کن، زیرا من از خداوند متعال حیا می‌نمایم که موجود زنده‌ای به چهره‌ام بنگرد و من غذا بخورم و به او ندهم. (محدث نوری، ۱۴۰۸: ۷/۱۹۲ و ۸۲۹۵).

تربیت صحیح و کامل، تربیتی است که انسان، علاوه بر آنکه به فکر خود بوده و در صدد برطرف نمودن مشکلات خویش است، به فکر اطرافیان نیز می‌باشد و همواره در صدد برطرف نمودن مشکلات آنان است و در جهت آن گام برمی‌دارد که یکی از آن، اهتمام به امور مسلمانان و رسیدگی از آنان در مواقع مختلف است. و از آن جمله، قرض الحسنه دادن به نیازمندان است، بنابراین یکی از ضررهای ترک قرض الحسنه را می‌توان عدم برخورداری از تربیت صحیح و کامل بیان نمود.

## ۲. رفتن برکت از مال فرد؛

یکی دیگر از آثار امتناع از پرداخت قرض الحسنه و گره‌گشایی از مشکلات دیگران، رفتن برکت از مال انسان است که در این باره دو دسته روایات داریم:

۱.۲. روایات بیانگر وجود برکت در مال افرادی است که از مشکلات دیگران گره‌گشایی می‌نمایند؛ نظیر:

الف. حضرت علی (علیه‌السلام) فرموده‌اند: «يَا كَمِيلُ! الْبِرُّ كُهُ فِي مَالٍ مَنْ آتَى الزَّكَاةَ وَوَأَسَى الْمُؤْمِنِينَ وَوَصَلَ الْأَقْرَبِينَ: ای کمیل! برکت در مال کسی است که زکات بدهد و با مؤمنان مواسات کند و نسبت به نزدیکان، صله رحم به جا آورد» (ابن شعبه حرانی، ۱۴۰۴: ۱۷۲).

ب. در روایت دیگری از آن حضرت آمده است: «يَا كَمِيلُ! الْبِرُّ كُهُ فِي الْمَالِ مِنْ إِبْتَاءِ الزَّكَاةِ وَمَوَاسَاةِ الْمُؤْمِنِينَ وَصَلَةِ الْأَقْرَبِينَ: ای کمیل! برکت در مال، از راه پرداختن زکات و مواسات با مؤمنان و صله رحم است» (طبری آملی، ۱۳۸۳: ۲۵).

۲.۲. روایاتی که می‌رساند که برکت از مال کسی که از مشکلات دیگران گره‌گشایی نکند، می‌رود؛ نظیر:

الف. «يَا جَابِرُ! مَنْ كَثُرَتْ نِعْمَةُ اللَّهِ عَلَيْهِ كَثُرَتْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْهِ، فَإِنْ فَعَلَ مَا يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ عَرَضَهَا لِلدَّوَامِ وَالْبَقَاءِ، وَإِنْ قَصَرَ فِيمَا يَجِبُ لِلَّهِ عَلَيْهِ عَرَضَهَا لِلزَّوَالِ وَالْفَنَاءِ: ای جابر! هر کسی که نعمت‌های خدا بر او زیاد شود، نیازهای مردم به او زیاد می‌گردد، بنابراین چنانچه کاری نمود که برای خدا بر او واجب بود، اموالش را در معرض دوام و بقا قرار می‌دهد و اگر از انجام وظایف خویش کوتاهی ورزید، خدا اموالش را در معرض زوال و فنا قرار می‌دهد» (امام حسن عسکری، ۱۴۰۹: ۴۰۳).

ب. «إِنْ حَوَائِجُ النَّاسِ إِلَيْكُمْ نِعْمَةٌ مِنَ اللَّهِ عَلَيْكُمْ فَاعْتَنِمُوهَا فَلَا تَمْلُوهَا فَتَسْتَحْوِلَ نِقْمًا: به درستی که نیازهای مردم به شما، نعمتی

از نعمت‌های خدا بر شما است، پس آن را مغتنم بشمارید و از آن آزرده نشوید، تا تبدیل به نعمت گردد» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۱۵۸ - تمیمی آمدی، ۱۴۱۰: ۲۳۸ - هجو، ۱۳۶۶: ۴۴۸).

روایات فوق بیانگر آن هستند که برکت در اموال کسی است که هنگام مشکلات، از دیگران گره‌گشایی کند و کسی که تنها به فکر خود باشد و از مشکلات دیگران بی‌توجه بماند، برکت از اموال او گرفته می‌شود و از آنجایی که گره‌گشایی نمودن از مشکلات دیگران، عام است و شامل اعطای قرض الحسنه به آنان می‌گردد، می‌توان یکی از زیان‌های ترک قرض الحسنه را رفتن برکت از مال انسان بیان نمود.

## ۳. ورود فرد به کسب مال حرام و شبهه‌ناک؛

بر اساس تعالیم اسلامی، تمام اموال و ثروت‌ها از آن خداوند است که به امانت به انسان سپرده شده، تا با بهره‌گیری از آن، راه سعادت و تکامل را بییابد و طریق رستگاری را به سلامت طی کند و باز بچه‌ی دست‌دنیای پرستان نگردد.

در پرتو این نگرش، مالکیت انسان، مالکیت استخلافی و جانشینی است و آدمی مجاز است مال را به اذن مالک حقیقی‌اش (خداوند) در موارد خود صرف کند، در این نگاه، "مال" وسیله‌ای برای دوام و قوام زندگی سالم مادی، جهت نیل به مقاصد متعالی انسانی است، چنانکه امام باقر (علیه‌السلام) در مورد درهم و دینار می‌فرماید: «خداوند درهم و دینار را برای سامان‌یابی کار خلق قرار داده و به وسیله‌ی آن، امور آنان استواری می‌یابد و نیازهایشان برطرف می‌گردد، بنابراین کسی که اموال زیادی به او داده شد و به حق خدا در آن قیام نمود و زکاتش را پرداخت، اموالش پاک و خالص می‌گردد و هر کسی که بخل ورزید و حق الهی را پرداخت نکرد و با آن، ظرف و اموالی برای خود خرید، چیزی است که وعید الهی در قرآن، برای او سزاوار است که فرمود: (روزی فرا خواهد رسید که این سکه‌ها را در آتش سوزان دوزخ داغ و گداخته کرده و پیشانی و پهلو و پشتشان را با آن داغ می‌کنند)» (طوسی، ۱۴۱۴: ۵۲۰ - بحرانی، ۱۳۷۴: ۲۷۷).

ویژگی قوام بخشی در مال، این است که در چرخه‌ی تولید و توزیع قرار گیرد و به دور از انباشته شدن و راکد ماندن، برای همگان قابل دسترسی باشد، ولی اگر این خصیصه از مال سلب شود و مال و دارایی در گوشه‌ای به صورت اندوخته یا گنج، راکد بماند و یا انحصار گرایانه در قبضه‌ی فرد یا گروه خاصی درآید و از دسترس عموم مردم خارج گردد، در این صورت اثر قوام و دوام بخشی را از دست داده و در واقع "مال‌اندوزی" صورت گرفته است.

در "مال‌اندوزی" به جای آنکه "مال" وسیله‌ی قوام و دوام زندگی فرد و جامعه باشد، خود، عین هدف است، همان امری که جهت گیری اقتصاد اسلامی و هر اقتصاد معقولی در دنیا آن را نمی‌پسندد، زیرا "مال‌اندوزی" عبارت است از انباشتگی اموال و انبوهی ثروت در نزد طبقه‌ای خاص و یا راکد گذاشتن سرمایه‌ها و خارج شدن آن از چرخه‌ی تولید و توزیع.

کسی که دچار ثروت‌اندوزی شود و تنها به فکر زیاد نمودن اموال خود باشد و هم و غم خود را در افزایش اموال، مصروف دارد، باکی ندارد که از چه راهی اموال خود را به دست آورده است و چه بسا ممکن است دچار اکل حرام و امور شبهه‌ناک گردد و این، تنها بدان جهت است که تمام تلاش چنین انسانی، زیاد کردن اموال شخصی و نبودن به فکر دیگران است، به همین جهت دین



اسلام، راه خلاص شدن و نجات چنین کسی را انفاق و اعطای اموال به دیگران در قالب قرض الحسنه و ... قرار داده است.

#### ۴. زیاد شدن روحیه طمع و مال اندوزی و دنیادوستی؛

یکی از رذایل اخلاقی، برخورداری از روحیه طمع و مال اندوزی و دنیادوستی است، به همین جهت در روایات فراوانی از آن نهی شده و آمده است:

الف. پیامبر اسلام (ﷺ) فرمود: «إِيَّاكُمْ وَاسْتِشْعَارَ الطَّمَعِ فَإِنَّهُ يَشْوِبُ الْقَلْبَ بِشِدَّةِ الْحِرْصِ وَيَحْتَمُ الْقَلْبَ بِطَايِعِ حُبِّ الدُّنْيَا وَهُوَ مُفْتَاخُ كُلِّ مَعْصِيَةٍ وَرَأْسُ كُلِّ خَطِيئَةٍ وَ سَبَبُ إِجْبَاطِ كُلِّ حَسَنَةٍ: پرهیز از اینکه طمع را مثل موی بدن جزء وجودت کنی، زیرا شدت حرص، قلب را آشفته می سازد و بر قلبها مهر دوستی دنیا می زند و آن محبت، کلید هر پلیدی و منشأ هر گناهی و سبب نابودی هر حسنه و ثوابی است» (ابن فهد حلی، ۱۴۰۷: ۳۱۳-دیلیمی، ۱۴۰۸: ۳۴۰).

ب. حضرت علی (علیه السلام) فرموده اند: «ثَمَرَةُ الطَّمَعِ ذُلُّ الدُّنْيَا وَ الْأُخْرَى: ثَمَرُهُ وَ مِوَاهُ طَمَعٌ، ذُلْتُ دُنْيَا وَ شَقَاوَتٌ فِي آخِرَتِ اسْت» (لیثی واسطی، ۱۳۷۶: ۲۰۷).

علامه شیخ محمد تقی تستری (رحمته الله) در شرح نهج البلاغه چنین گوید: «فتح موصلی» به دو بجه رسید که یکی تگه نانی داشت که بر آن غسل بود و به دست دیگری نیز تگه نانی بود که خورشتی روی آن مالیده شده بود، آن بجه به بجه ای که غسل بر نان او بود، گفت: از نانت به من بده. وی گفت: اگر سگ من شوی، به تو می دهم.

گفت: باشد و بجه، مقداری نان و غسل به او داد و طناب و ریسمانی در دهان او گذارد و شروع به کشیدن کرد. فتح موصلی گفت: «اگر به نان خود راضی می شدی، دیگر سگ نبود» (مکارم شیرازی، ۱۳۸۵: ۲۲۳).

حکایت فوق بیانگر آن است که در بسیاری از موارد، ممکن است که طمع، آبروی انسان را ببرد و موجب هر نوع ذلّتی برای او گردد و او را به هر سمت و ذلّتی بکشاند، به همین جهت امام باقر (علیه السلام) فرموده اند: «بئس العبد عبد له طمع يَفُودُه: بد بنده ای است بنده ای که دارای طمعی باشد که او را به هر طرف بکشد» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۲۰-راوندی، بیتا: ۲۳).

دین اسلام، برای آن که حرص و طمع و زراندوزی و محبت دنیا را در وجود انسان، از بین ببرد، دستورات مختلفی داده و برنامه های مختلفی دارد که یکی از آنها، انفاق و اعطای صدقات و قرض الحسنه به نیازمندان است. بنابراین یکی از اموری که حرص و طمع را در انسان از بین می برد و مقداری بین انسان و اموال دنیوی فاصله ایجاد می کند، اعطای قرض الحسنه به نیازمندان است و از ضررهای ترک قرض الحسنه، ایجاد روحیه حرص و طمع و مال اندوزی و محبت دنیا در انسان است.

#### ۵. لعنت خداوند

پنجمین ضرر ترک قرض الحسنه، آن است که انسانی که قادر بر گره گشایی از مشکلات دیگران و اعطای قرض الحسنه به آنان در موارد ضرورت است و عمداً چنین کاری را ترک می کند، مورد لعنت خداوند متعال بوده و از ولایت الهی خارج می شود، چنانکه در روایاتی آمده است:

الف. علی بن جعفر (علیه السلام) می گوید: از برادرم امام کاظم (علیه السلام)

شنیدم که می فرمود: «مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فِي بَعْضِ أحوَالِهِ فَلَمْ يَجِرْهُ بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ فَقَدْ قَطَعَ وَلَايَةَ اللَّهِ عَزَّ وَجَلَّ: هر کسی که فردی از برادرانش، در برخی از مشکلات خویش، به او پناه برد و با آنکه قادر است، به فریاد او نرسد و مشککش را برطرف نسازد، ولایت الهی را پاره نمود (و از ولایت خدا خارج شده است)» (عریضی، ۱۴۰۹: ۳۳۹-کلینی، ۱۴۰۷: ۲/۳۶۸).

ب. «أَيُّمَا رَجُلٍ مِنْ شِيعَتِنَا آتَاهُ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ وَ اسْتَعَانَ بِهِ فِي حَاجَةٍ فَلَمْ يَعْنِهِ وَ هُوَ يَقْدِرُ إِلَّا ابْتِلَاءَ اللَّهِ بَأَنْ يَقْضِيَ حَوَائِجَ عَدُوِّهِ مِنْ أَعْدَائِنَا يَعْلَبُهُ اللَّهُ عَلَيْهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: هر فردی از شیعیان ما که شخصی از برادرانش به نزد او بیاید و در مورد رفع نیازی، از او کمک بخواهد و با آنکه می تواند مشککش را برطرف سازد، به او کمک نکند، خدا او را مبتلا به برطرف نمودن نیازهای دشمنی از دشمنان ما می سازد که خدا در روز قیامت، بر او عذاب خواهد نمود» (برقی، ۱۳۷۱: ۱/۹۹).

روایات فوق بیانگر آن هستند که شخصی که می تواند از مشکلات مردم گره گشایی نماید و در نیازها به یاری شان بشتابد و در موارد لزوم، به آنان اموالی را قرض دهد، ولی عمداً چنین کاری نکند، مورد لعنت خداوند قرار می گیرد و از رحمت الهی دور می گردد.

#### ۶. محرومیت از بهشت؛

همه انسان های عاقل، مشتاق بهشت اند و از خدای خویش آرزو و مناجات می کنند که در عالم آخرت، بهشت را نصیبشان فرماید و تنها برخی کسانی که لیاقت نداشته و بدبخت هستند از این نعمت الهی محروم می شوند. یکی از کسانی که خیلی بیچاره و بدبخت است، کسی است که برادر مسلمانش محتاج باشد و دست نیاز به سوی او دراز کرده، درخواست قرض و همکاری نماید، ولی او در حالی که قدرت و توانایی دارد، از همکاری با او و قرض دادن امتناع می ورزد، زیرا چنین فردی از استشمام بوی بهشت، محروم است و هرگز وارد بهشت نمی شود، چنانکه پیامبر اسلام (ﷺ) فرموده اند: «أَوْ مِنْ احتِاجَ إِلَيْهِ أَخُوهُ الْمُسْلِمِ فِي قَرْضٍ وَ هُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ فَلَمْ يَفْعَلْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ رِيحَ الْجَنَّةِ: هر کس، برادر مسلمانش در مورد وامی به او احتیاج داشته باشد و او توانایی بر آن وام داشته باشد و وام ندهد، خدا بوی بهشت را بر او حرام خواهد کرد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۱۵).

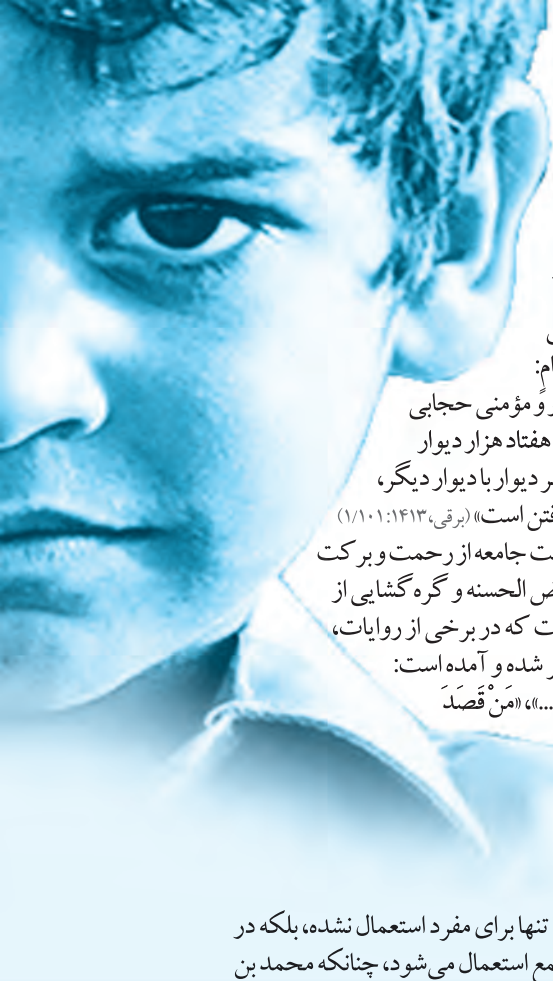
در روایت دیگری از پیامبر (ﷺ) آمده است: «مَنْ مَنَعَ الْمَاعُونَ جَارَهُ مَنَعَهُ اللَّهُ خَيْرَهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ، وَ وَكَلَهُ أَلَى نَفْسِهِ وَ مَنْ وَكَلَهُ أَلَى نَفْسِهِ فَمَا أَسْوَأَ حَالِهِ: کسی که وسایل ضروری و کوچک را از همسایه اش دریغ دارد، خداوند او را از خیر خود، در قیامت منع می کند و او را به حال خود وامی گذارد و هر کسی خدا او را به خود واگذارد، چه بدحالی دارد؟» (صدوق، ۱۴۱۳: ۴/۱۴).

در روایت دیگری آمده است: «کسی که وسایل ضروری و کوچک را از همسایه اش دریغ دارد، خداوند او را از خیر خود در قیامت منع می کند و او را به حال خود وامی گذارد و کسی که خدا او را به خود واگذارد، چه بدحالی دارد؟ و هر کسی که برادر مسلمان در مورد وامی به او احتیاج داشته باشد و او توانایی بر آن وام داشته و وام ندهد، خدا در روز قیامت، او را از خیرش باز دارد» (حر عاملی، ۱۴۰۹: ۱۶/۳۸۹).

روایات فوق، بیانگر آن هستند که کسی که می تواند در موارد نیاز، به یاری برادر مسلمانش بشتابد و به او قرض بدهد و عمداً چنین کاری نکند، هرگز وارد بهشت نمی شود.

#### ۷. ورود به دوزخ؛

هفتمین ضرر فردی ترک قرض الحسنه، ورود انسان در دوزخ است، چنان که در روایاتی آمده است:



الف. «إِذَا أَنْعَمَ اللَّهُ تَعَالَى عَلَى عَبْدِهِ نِعْمَةً صَبِرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَإِنْ قَضَاهَا مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ بِهَا أَسْكَنَهُ الْفَرْدُوسَ الْأَعْلَى وَإِنْ لَمْ يَقْضِهَا وَهُوَ قَادِرٌ عَلَى قَضَائِهَا نَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ صَالِحَ مَا أَعْطَاهُ وَأَسْكَنَهُ نَارَ جَهَنَّمَ وَبُنَسِ الْمَصِيرُ وَكَمْ يَنْبُلُ شَفَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ: وقتی خدا به بنده اش نعمتی دهد، حوائج مردم را به سوی او سوق می دهد، پس چنانچه بدون هیچ توهین و استخفافی، نیاز مردم را برطرف سازد، خدا او را در فردوس اعلی جای دهد، ولی چنانچه با آنکه می تواند نیاز دیگران را برطرف سازد، از انجام چنین کاری ابا و رزد، خدا صلاح نعمتی را که به او عطا نموده، از او می گیرد و در دوزخ مسکنش می دهد و به شفاعت رسول خدا (ﷺ) نمی رسد» (دبلی، ۱۴۰۸: ۲۶۹).

ب. «إِنَّ اللَّهَ إِذَا أَنْعَمَ عَلَى عَبْدٍ نِعْمَةً صَبِرَ حَوَائِجَ النَّاسِ إِلَيْهِ فَإِنْ قَضَاهَا مِنْ غَيْرِ اسْتِخْفَافٍ مِنْهُ أَسْكَنَ الْفَرْدُوسَ وَإِنْ لَمْ يَقْضِهَا أَسْكَنَ نَارَ جَهَنَّمَ وَنَزَعَ اللَّهُ مِنْهُ صَالِحَ مَا أَعْطَاهُ وَكَمْ يَنْبُلُ شَفَاعَةَ رَسُولِ اللَّهِ يَوْمَ الْقِيَامَةِ: وقتی خدا به بنده اش نعمتی دهد، مردم نیازمند به او می گردند، پس چنانچه بدون هیچ توهین و استخفافی، نیاز مردم را برطرف سازد، خدا او را در فردوس اعلی جای دهد، ولی چنانچه از انجام چنین کاری ابا و رزد، وارد آتش دوزخ می شود و خدا صلاح آنچه را به او داده، از او می گیرد و در روز قیامت، به شفاعت رسول خدا نمی رسد» (طبرسی، ۱۳۸۵: ۳۳۳).

ج. «إِنَّمَا مُؤْمِنٌ مَنَعَ مُمْنًا شَيْئًا مِمَّا يَحْتَاجُ إِلَيْهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَيْهِ مِنْ عِنْدِهِ أَوْ مِنْ عِنْدِ غَيْرِهِ أَقَامَهُ اللَّهُ يَوْمَ الْقِيَامَةِ مَسُودًا وَجْهَهُ مَرْقُوعٌ عَيْنَاهُ مَغْلُوقَةٌ يَدَاهُ إِلَى عُنُقِهِ فَيَقَالُ هَذَا الْخَائِنُ الَّذِي خَانَ اللَّهَ وَرَسُولَهُ ثُمَّ يُؤْمَرُ بِهِ إِلَى النَّارِ: هر مؤمنی که مانع مؤمن دیگر از چیزهایی که بدان نیاز دارد، شود، در حالی که می تواند نیازش را از جانب خود و یا از جانب دیگری برطرف سازد، خدا در روز قیامت او را در حالی محشور می کند که چهره اش سیاه و چشمانش فرو رفته و دست هایش به گردنش بسته است و گفته می شود: این شخص، خائنی است که به خدا و رسول او خیانت نمود، سپس دستور داده می شود که او را وارد دوزخ نمایند» (کلینی، ۱۴۰۷: ۲۳۶۷).

روایات فوق، بیانگر آن هستند که یکی از ضررهای اخروی ترک قرض الحسنه، آن است که انسان غنی ای که می تواند از مشکلات مردم گره گشایی نمایند و در موارد لزوم، اموالی را در اختیار آنان قرار دهند و از چنین کاری امتناع می ورزند، وارد دوزخ خواهند شد.

### تبعات اجتماعی ترک قرض الحسنه

۱. محرومیت جامعه از رحمت و برکت خداوند

اولین زیان اجتماعی ترک قرض الحسنه، آن است که جامعه ای که قرض الحسنه را ترک کند و افراد آن در موارد لزوم، به یاری یکدیگر نشتابند و از مشکلات همدیگر گره گشایی نکنند، از رحمت و برکت الهی بدورند. دور بودن افراد جامعه ای که خصلت خدا پسندانه ای قرض الحسنه را ترک نموده اند، از رحمت و برکت خداوند را می توان از همان روایاتی استفاده نمود که زیان فردی ترک قرض الحسنه را دوری از رحمت الهی و محرومیت از برکت می دانند، زیرا در چنین روایاتی آمده است:

أ. «مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ مُسْتَجِيرًا بِهِ فِي بَعْضِ أَحْوَالِهِ فَلَمْ يُجِرْهُ بَعْدَ أَنْ يَقْدِرَ عَلَيْهِ فَقَدْ قَطَعَ وَلا يَهِيَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ: هر فردی که گروهی که فردی از برادرانش، در برخی از مشکلات خویش به او پناه برد و با آنکه قادر است، به فریاد او نرسد و مشککش را برطرف نسازد، ولایت الهی را پاره نمود (و از ولایت خدا خارج شده است)» (عریضی، ۱۴۰۹: ۳۳۹).

ب. «مَنْ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْمُؤْمِنِ حِجَابٌ ضَرَبَ اللَّهُ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْجَنَّةِ سَبْعِينَ أَلْفَ سَوْرٍ مَسِيرَةً مَا يَبِينُ السُّورَ إِلَى السُّورِ مَسِيرَةَ سَبْعِينَ أَلْفَ عَامٍ: هر فردی که بین او و مؤمنی حاجبی باشد، خدا بین او و بهشت، هفتاد هزار دیوار قرار می دهد که فاصله ی هر دیوار با دیوار دیگر، مسیر هفتاد هزار سال راه رفتن است» (برقی، ۱۴۱۳: ۱/۱۰۱).

نحوه ی استفاده ی محرومیت جامعه از رحمت و برکت الهی در صورت ترک قرض الحسنه و گره گشایی از مشکلات دیگران، آن است که در برخی از روایات، کلمه ی "من" موصوله ذکر شده و آمده است:

«مَنْ كَانَ بَيْنَهُ وَبَيْنَ الْمُؤْمِنِ...»، «مَنْ قَصَدَ إِلَيْهِ رَجُلٌ مِنْ إِخْوَانِهِ...»

از طرفی نیز کلمه ی "من"، تنها برای مفرد استعمال نشده، بلکه در مورد هر یک از مفرد و جمع استعمال می شود، چنانکه محمد بن مالک (رحمته) گفته است:

و من و ما و آل تساوی ما ذکر و هکذا ذو عندها طبعی شهر.

به همین جهت در برخی از آیات قرآن کریم، از کلمه ی «من» در مورد دلالت بر جمع و عموم استفاده شده است، چنانکه در سوره حج آمده است: «الَّذِينَ تَرَأَى اللَّهَ يَسْجُدُ لَهُ فِي السَّمَاوَاتِ وَمِنْ فِي الْأَرْضِ وَالشَّمْسُ وَالْقَمَرُ وَالنُّجُومُ وَالْجِبَالُ وَالشَّجَرُ وَالدَّوَابُّ وَكَثِيرٌ مِنَ النَّاسِ وَكَثِيرٌ حَقَّ عَلَيْهِ الْعَذَابُ وَمَنْ يَنْهَ اللَّهُ فَمَا لَهُ مِنْ مُكْرِمٍ إِنَّ اللَّهَ يَفْعَلُ مَا يَشَاءُ: آیانیدی که سجده می کنند برای خدا تمام کسانی که در آسمان ها و زمین هستند و همچنین خورشید و ماه و ستارگان و کوه ها و درختان و جنبندگان و بسیاری از مردم، اما بسیاری ابا دارند و فرمان عذاب درباری آنها حتمی است و هر کسی را خدا خوار کند، کسی او را گرامی نخواهد داشت، خداوند هر کار را بخواهد، انجام می دهد» (حج: ۱۸).

از روایات فوق می توان استنباط نمود که چنانچه افراد جامعه، قرض الحسنه را ترک نمایند و در موارد لزوم، از نیازهای دیگران گره گشایی نکنند، از رحمت و برکت خدا به دور می مانند.

### ۲. دشوار شدن شرایط تربیتی جامعه

دومین زیان اجتماعی ترک قرض الحسنه و گره گشایی از مشکلات دیگران، دشوار شدن شرایط تربیتی افراد جامعه است، تربیت صحیح و کامل، تربیتی است که تمام افراد جامعه، خود را حلقه های مختلف یک زنجیری بدانند که به هم پیوسته اند و قابلیت انفکاک و جدایی را ندارند. بنابراین شادی یک نفر، مستلزم شادی همگان و غم و ناراحتی یک فرد، موجب نگرانی و اضطراب همه ی افراد جامعه می شود که اگر چنین تفکری در جامعه رواج داشته باشد، افراد آن جامعه می توانند به کمال تربیت برسند و از تربیت اسلامی برخوردار شوند و هرگز خود را تافته ی جدا بافته از دیگران نمی دانند و تنها به فکر برطرف نمودن مشکلات و نگرانی های خود نیستند و به فکر اطرافیان نیز بوده و برای حل مشکلات دیگران تلاش می کنند لذا در روایاتی آمده است:





همراهی یکدیگر، به زندگی خود ادامه می‌دهند و هیچ یک، به تنهایی قادر به ادامه‌ی حیات نیستند، در روایاتی آمده است:

«مَثَلُ الْمُؤْمِنِينَ فِيمَا بَيْنَهُمْ كَمَثَلِ الْبَنِيَانِ يُمَسِكُ بَعْضُهُمْ بَعْضًا وَيَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا: مَثَلُ مُؤْمِنَانِ نَسَبَتْ بِهِ يَكْدِيغَرٌ، هَمَانٌ مَثَلُ سَاخْتِمَانِ اسْتِ كَه بَعْضِي اَز اجزای آن، بر خِی دِیْگَر را نِگِه می‌دَرد و هِر جِزئی اَز آن، جِزء دِیْگَر را مَحْكَم نِگِه می‌دَرد» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۱۳۷۷).

«مَثَلُ الْأَخْوَيْنِ كَمَثَلِ الْيَدَيْنِ يُغْسَلُ إِحْدَاهُمَا الْأُخْرَى وَ كَمَثَلِ الْبَنِيَانِ يَشُدُّ بَعْضُهُ بَعْضًا: مَثَلُ دُو بَرَادَرٍ، مَثَلُ دُو دَسْت اسْت كَه یكی اَز آن دُو دِیْگَری را می‌شوید و مَثَل سَاخْتِمَان اسْت كَه بر خِی اَز اجزای آن، اجزای دِیْگَر را نِگِه می‌دَرد» (ابن عَجیبِه، ۱۴۱۹: ۲۶۸/۵).

روایات فوق، بر لزوم وجود روحیه‌ی ایثار و تعاون و تعامل بین همه‌ی افراد جامعه دلالت دارد که شرط تحقق آن، همکاری و همیاری تمام افراد جامعه با یکدیگر و گره‌گشایی از مشکلات همدیگر است که یکی از موارد آن، جایی است که مؤمنی برای برطرف نمودن نیاز خود، محتاج به گرفتن قرض از دیگران باشد، بنابراین یکی از خطرات ترک قرض الحسنه را در جامعه می‌توان زوال تدریجی روحیه‌ی ایثار و تعاون و تعامل افراد جامعه با یکدیگر دانست.

#### ۴. قرار گرفتن جامعه در معرض هلاکت

چهارمین زیان اجتماعی ترک قرض الحسنه، قرار گرفتن جامعه در معرض هلاکت است، زیرا از طرفی چنانچه خدا نعمتی به افرادی بدهد و آنان حق نعمت را بجا نیاورند و حقوق الهی را به نیازمندان نرسانند و هنگام مشکلات به یاری آنان نشتابند، خداوند متعال نعمت‌های مزبور را از آنان گرفته و در اختیار دیگران قرار می‌دهد و از طرف دیگر چنانچه افراد جامعه، هنگام مشکلات، به یاری یکدیگر نشتابند و با قرض دادن اموال و وسایل مورد نیاز، همدیگر را یاری نکنند، به تدریج فقر در جامعه رواج می‌یابد و موجب خطرات فراوانی نظیر دزدی و ... می‌گردد و شالوده‌ی

جامعه را از بین می‌برد، به همین جهت در روایاتی آمده است:

أ. «يَا مَعْشَرَ التَّجَارِ! صُونُوا أَمْوَالَكُمْ بِالصَّدَقَةِ تَكْفُرْ عَنْكُمْ ذُنُوبَكُمْ وَ أَيْمَانَكُمْ الَّتِي تَحْلِفُونَ فِيهَا تَطْيِبُ لَكُمْ تِجَارَتُكُمْ: ای گروه تاجران! اموال خویش را با صدقه دادن به مستمندان محفوظ داشته و بیمه کنید، تا گناهان شما بخشوده شود و آن گناهان که به سبب قسم‌ها و سوگندهایی که می‌خورید، خداوند ببخشد و تجارتتان بر شما پاک و گوارا باشد» (صدوق، ۱۴۱۳: ۱۹۴/۳).

ب. «حَصِّنُوا أَمْوَالَكُمْ بِالزَّكَاةِ: اموالتان را به وسیله‌ی زکات مصون بدارید» (ابن اشعث، بی تا: ۵۳ - حمیری، ۱۴۱۳: ۱۱۷ - کلینی، ۱۴۰۷: ۶۱/۴).

ج. امام رضا (علیه السلام) پیرامون فلسفه‌ی وجوب زکات فرموده‌اند: «أَنَّ عِلَّةَ الزَّكَاةِ مِنْ أَجْلِ قَوْتِ الْفُقَرَاءِ وَ تَحْصِينِ أَمْوَالِ الْأَغْنِيَاءِ: عَلَتْ تَشْرِيعَ زَكَاةٍ، تَأْمِينَ قَوْتِ فُقَرَا وَ حَفْظِ وَ صِيَانَتِ أَمْوَالِ اغْنِيَا اسْت» (صدوق، ۱۴۱۳: ۲۸ - همو، ۱۳۷۸: ۸۹/۲ - ابن شهر آشوب مازندرانی، ۱۳۷۹: ۲۶۷/۴).

در روایات فوق، زکات و کمک به فقرا، حصنی برای نگهداری اموال اغنیادانسته شده است، زیرا عاملی برای حفظ آن است و ترک اتفاق در راه خدا، موجب زوال اموال اغنیای می‌گردد، چنان که در سوره بقره آمده است: «وَأَنْفَقُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ وَلَا تَقْلُوا بَأْدْيَكُمْ إِلَى التَّهْلُكَةِ وَ أَحْسِنُوا إِنَّ اللَّهَ يُحِبُّ الْمُحْسِنِينَ: و در راه خدا اتفاق کنید و (با ترک اتفاق)، خود را به دست خود، به هلاکت نیافکنید و نیکی کنید که خداوند نیکوکاران را دوست می‌دارد» (بقره/۱۹۵).

مراد آیه‌ی شریفه آن است که هنگامی که سنت اتفاق و کمک به نیازمندان در جامعه کمرنگ شده و یا ترک گردد، فاصله‌ی طبقاتی

الف. «مَنْ أَصْبَحَ لَا يَهْتَمُّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ مِنْهُمْ وَ مَنْ سَمِعَ رَجُلًا يَتَادَى بِاللْمُسْلِمِينَ فَلَمْ يَجِبْهُ فُلَيْسَ بِمُسْلِمٍ: هر کسی که صبح کند و به امور مسلمانان اهتمام نرزد، از آنان نیست و هر کس صدای مظلومی را بشنود که از مسلمانان کمک می‌طلبد و به کمک او نشتابد، مسلمان نیست» (کلینی، ۱۴۰۷: ۱۶۴/۲).

ب. «مَنْ لَمْ يَهْتَمَّ بِأُمُورِ الْمُسْلِمِينَ فَلَيْسَ بِمُسْلِمٍ: کسی که به امور مسلمانان اهتمام نرزد، مسلمان نیست» (همان).

روایات فوق، بیانگر آن است که تنها کسی به کمال تربیت ایمانی و اسلامی می‌رسد که تمام شرایط ایمانی و اسلامی را رعایت نماید و یکی از آنها، اهتمام به امور مسلمانان و رسیدگی به آنان در مواقع مختلف است و از آن جمله، قرض الحسنه دادن به نیازمندان است، بنابراین یکی از ضررهای ترک قرض الحسنه را می‌توان عدم برخورداری از تربیت صحیح و کامل بیان نمود.

#### ۳. از بین رفتن روحیه‌ی ایثار، تعامل و تعاون در جامعه

یکی از ارزش‌های اخلاقی که لازم است در هر یک از فرد جامعه وجود داشته باشد، برخورداری از روحیه‌ی ایثار، تعامل و تعاون است. چنانکه در روایاتی آمده است:

الف. «برترین اعمال سه چیز است:

۱. رعایت انصاف در باره‌ی مردم به گونه‌ای که چیزی را برای خود نخواهد، جز آنکه مثل همان را برای دیگران بخواهد.

۲. مواسات با برادران در مال.

۳. ذکر خداوند متعال در هر حالتی» (همان: ۱۴۴).

ب. «سخت‌ترین اعمالی که خداوند بر بندگانش لازم نمود، سه چیز است:

۱. رعایت انصاف در باره‌ی مردم به گونه‌ای که چیزی را برای برادرش نخواهد، جز آنکه برای خود بپسندد.

۲. مواسات با برادران در مال.

۳. ذکر خداوند متعال در هر حالتی» (همان: ۲/۱۷۰).

ج. «در یکی از وصایای پیامبر (صلی الله علیه و آله) به حضرت علی (علیه السلام) آمده است: «يَا عَلِيُّ! ثَلَاثٌ لَا تُطِيقُهَا هَذِهِ الْأُمَّةُ: الْمُوَاسَاةُ لِلْأَخِ فِي مَالِهِ وَ انْصَافُ النَّاسِ مِنْ نَفْسِهِ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ: ای علی! سه چیز است که این امت، طاقت انجام آن را ندارد:

۱. مواسات با برادر در مال.

۲. رعایت انصاف در باره‌ی مردم.

۳. ذکر خداوند متعال در هر حالتی» (صدوق، ۱۴۱۳: ۳۵۸/۴).

د. «ثَلَاثٌ مِنْ أَسَدِّ مَا عَمِلَ الْعِبَادُ: انْصَافُ الْمُؤْمِنِ مِنْ نَفْسِهِ وَ مُوَاسَاةُ الْمَرْءِ أَخَاهُ وَ ذِكْرُ اللَّهِ عَلَى كُلِّ حَالٍ: سه چیز از سخت‌ترین عمل‌های بندگان است: رعایت انصاف در حق مؤمن. مواسات با برادرش. ذکر خداوند متعال در هر حالتی» (صدوق، ۱۳۶۲: ۱/۱۳۱).

روایات فوق، بر لزوم وجود روحیه‌ی ایثار و تعاون بین همه‌ی افراد جامعه دلالت دارد و چنین امری تنها زمانی محقق می‌شود که همه‌ی افراد جامعه، هنگام مشکلات به یاری یکدیگر بشتابند و همدیگر را نظیر اجزای یک ساختمان بدانند که با کمک و



زیاد می گردد و روز به روز بر ثروت و ثروتمندان و فقر نیازمندان افزوده می شود و این فاصله به جایی می رسد که نتیجه ی آن، ناهنجاری ها و شورش های اجتماعی می شود و در شورش ها، عده ای از ثروتمندان جان خود را از دست می دهند، بنابراین ترک انفاق توسط ثروتمندان، ممکن است منتهی به هلاکت آنها شود و برای رهایی از هلاکت، لازم است انفاق کنند. (مکارم شیرازی، ۱۳۸۷: ۴۵) انفاق، قبل از آنکه به حال محرومان مفید باشد، به نفع ثروتمندان است و تنها، تعدیل ثروت، حافظ ثروت است. همانگونه که بخل و ترک انفاق و عدم اعطای قرض الحسنه، موجب گسترش فقر در جامعه و رواج دزدی و ... است و جامعه را به وادی هلاکت می کشاند.

### ۵. رواج مال حرام در جامعه، به وسیله ی ربا و مانند آن

یکی دیگر از زیان های اجتماعی ترک قرض الحسنه، رواج مال حرام به واسطه ی ربا و امثال آن است، زیرا چنانچه افرادی برای حفظ آبروی خویش نیاز به گرفتن اموالی از دیگران باشند و اغنیاء اموال خود را به صورت قرض الحسنه، در اختیار نیازمندان نگذارند، آنان مجبور می شوند که برای حفظ آبروی خویش، به گرفتن اموال از طریق ربا روی آورند که در چنین صورتی ربا و تغذیه ی حرام، در جامعه رواج می یابد و خطرات آن دامن بسیاری از افراد جامعه را می گیرد، به همین جهت در بسیاری از روایات، یکی از علت های حرمت ربا، ترک نشدن قرض الحسنه بیان شده است، چنانکه امام باقر (علیه السلام) فرموده اند: «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ الرَّبَا لِئَلَّا يَذْهَبَ الْمَعْرُوفُ؛ به درستی که خدا ربا را حرام نمود تا معروف از بین نرود» (صدوق، ۱۳۸۵: ۴۸۳/۲).

امام صادق (علیه السلام) فرموده اند: «إِنَّمَا حَرَّمَ اللَّهُ عَزَّ وَجَلَّ الرَّبَا لِئَلَّا تَمْتَنَعُوا عَنِ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ؛ خداوند ربا را حرام کرد تا مردم از انجام معروف، امتناع و خودداری نوزند» (همان، ۴۸۳).

سماعه بن مهران می گوید: «به امام صادق (علیه السلام) عرض نمودم: دیدم که خدا حرمت ربا را در چندین آیه ی قرآن مطرح نمود و تکرار نمود و بزرگ شمرد. فرمود: آیا می دانی دلیل آن چیست؟

عرض کردم: خیر. فرمود: لِئَلَّا يَمْتَنَعَ النَّاسُ مِنْ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ؛ تا مردم از انجام معروف، امتناع و خودداری نوزند» (کلبی، ۱۴۰۷: ۱۶۶/۵). در روایت دیگری آمده است: «إِنَّمَا شُدِّدَ فِي تَحْرِيمِ الرَّبَا لِئَلَّا يَمْتَنَعَ النَّاسُ مِنْ اصْطِنَاعِ الْمَعْرُوفِ قَرْضًا؛ در تحریم ربا شدت گرفته شد، تا مردم از انجام معروف، به عنوان قرض الحسنه امتناع و خودداری نوزند» (ابن ابی جمهور، ۱۴۰۵: ۱۳۶/۲).

امام رضا (علیه السلام) نیز درباره ی علت تحریم ربا فرموده اند: «وَعَلَّاهُ تَحْرِيمِ الرَّبَا بِالنَّسِيئَةِ لِعَلَّاهُ ذَهَابَ الْمَعْرُوفِ وَتَلَفَ الْأَمْوَالِ وَرَغِبَ النَّاسُ فِي الرِّيحِ وَتَرَكَهُمُ الْقَرْضُ وَصَنَاعِ الْمَعْرُوفِ وَلَمَّا فِي ذَلِكَ مِنَ الْفَسَادِ وَالظُّلْمِ وَقَاءَ الْأَمْوَالِ؛ علت تحریم ربا به نسیه، از بین رفتن معروف و تلف اموال و رغبت مردم در گرفتن سود و ترک قرض است و قرض، همان انجام معروف است (مراد از صنایع معروف در روایات، قرض است) و به خاطر آن، ربا حرام است که موجب فساد و ظلم و از بین رفتن اموال می گردد» (صدوق، ۱۳۸۵: ۲۹۴).

روایات فوق، به طور صریح بیان می کنند که چنانچه قرض الحسنه در جامعه دچار فراموشی شود، ربا (که خداوند آن را حرام نمود) رواج می یابد و یکی از فلسفه های حرمت آن را را که ماندن قرض الحسنه قرار داده است، بنابراین یکی از زیان های اجتماعی ترک قرض الحسنه را می توان رواج اموال حرام نظیر ربا و ... بیان نمود.

### نتیجه نهایی؛

ترک قرض الحسنه، تبعات فراوانی دارد. در عرصه ی فردی،

موجب دوری از تربیت صحیح، رفتن برکت از مال، کسب مال حرام و شبهه ناک، فراگیر شدن طمع، مال اندوزی و دنیا دوستی، لعنت خداوند، محرومیت از بهشت و ورود در دوزخ است و در عرصه ی اجتماعی نیز موجب محرومیت جامعه از رحمت و برکت الهی، دشوار شدن شرایط تربیتی، از بین رفتن روحیه ی ایثار، تعامل و تعاون، قرار گرفتن جامعه در معرض هلاکت و رواج مال حرام می گردد.

منابع:

۱. قرآن کریم.
۲. ابن ابی جمهور، محمد بن زین الدین، عوالی اللالی العزیزة فی فی الاحادیث الدینیة، دار سید الشهداء للنشر، قم، اول، ۱۴۰۵ هـ.ق.
۳. ابن اشعث، محمد بن محمد، الجعفریات (الاشعثیات)، مکتبه النینوی الحدیثه، تهران، اول، بی تا.
۴. ابن شعبه حرانی، حسن بن علی، تحف العقول، جامعه مدرسن، قم، دوم، ۱۴۰۴.
۵. ابن شهر آشوب مازندرانی، محمد بن علی، مناقب آل ابی طالب علیه السلام، علامه، قم، اول، ۱۳۷۹ هـ.ق.
۶. ابن عجبیه، احمد بن محمد، البحر المدید فی تفسیر القرآن المجید، دکتر حسن عباس زکی، قاهره، ۱۴۱۹ هـ.ق.
۷. ابن فهد حلی، احمد بن محمد، عده الداعی و نجاح الساعی، دار الکتب الاسلامی، اول، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۸. امام حسن عسکری، التفسیر المنسوب الی الامام الحسن العسکری، مدرسه الامام المهدی (علیه السلام)، قم، اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۹. بحرانی، سید هاشم بن سلیمان، البرهان فی تفسیر القرآن، مؤسسه بعثه، قم، اول، ۱۳۷۴ هـ.ش.
۱۰. برقی، احمد بن محمد بن خالد، المحاسن، دار الکتب الاسلامیه، قم، دوم، ۱۳۷۱ هـ.ق.
۱۱. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، تصنیف غرر الحکم و درر الکلم، دفتر تبلیغات، قم، اول، ۱۳۶۶ هـ.ش.
۱۲. تمیمی آمدی، عبدالواحد بن محمد، غرر الحکم و درر الکلم، دار الکتب الاسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۰ هـ.ق.
۱۳. حر عاملی، محمد بن حسن، وسائل الشیعه، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، قم، اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۱۴. حمیری، عبدالله بن جعفر، قرب الاسناد، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، قم، اول، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۱۵. دلمی، حسن بن محمد، اعلام الدین فی صفات المؤمنین، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، قم، اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۱۶. راوندی کاشانی، فضل الله بن علی، التوادر، دار الکتب، قم، اول، بی تا.
۱۷. سمرقنای، نصر بن محمد بن احمد، بحر العلوم، بی جا، بی تا.
۱۸. صدوق، محمد بن علی، الامالی، کتابچی، تهران، ششم، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۱۹. صدوق، محمد بن علی، الخصال، جامعه مدرسن، قم، اول، ۱۳۶۲ هـ.ش.
۲۰. صدوق، محمد بن علی، علل الشرائع، قم، اول، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۲۱. صدوق، محمد بن علی، عیون اخبار الرضا (علیه السلام)، نشر جهان، تهران، اول، ۱۳۷۸ هـ.ق.
۲۲. صدوق، محمد بن علی، معانی الاخبار، دفتر انتشارات اسلامی، قم، اول، ۱۴۰۳.
۲۳. صدوق، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، دفتر انتشارات اسلامی، قم، دوم، ۱۴۱۳ هـ.ق.
۲۴. طبرسی، حسن بن فضل، مکارم الاخلاق، الشریف الرضی، قم، چهارم، ۱۴۱۲.
۲۵. طبرسی، علی بن حسن، مشکاة الانوار فی غرر الاخبار، المکتبه الحیدریه، نجف، دوم، ۱۳۸۵ هـ.ق.
۲۶. طبری، املی، عمادالدین ابو جعفر محمد بن ابی القاسم، بشاره المصطفی لشیعه المرتضی، المکتبه الحیدریه، نجف، دوم، ۱۳۸۳ هـ.ق.
۲۷. طوسی، محمد بن حسن، الامالی، دار الثقافه، قم، اول، ۱۴۱۴ هـ.ق.
۲۸. عروسی حوزی، عبدعلی بن جمعه، تفسیر نور الثقلین، انتشارات اسماعیلیان، قم، چهارم، ۱۴۱۵ هـ.ق.
۲۹. عربضی، علی بن جعفر، مسائل علی بن جعفر و مستدرکات، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، قم، اول، ۱۴۰۹ هـ.ق.
۳۰. کلینی، ابو جعفر محمد بن یعقوب، الکافی، دار الکتب الاسلامیه، تهران، چهارم، ۱۴۰۷ هـ.ق.
۳۱. لثی واسطی، علی بن محمد، عیون الحکم و المواعظ، دار الحدیث، قم، اول، ۱۳۷۶ هـ.ش.
۳۲. محدث نوری، میرزا حسین، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل، مؤسسه آل البیت (علیهم السلام)، قم، اول، ۱۴۰۸ هـ.ق.
۳۳. مکارم شیرازی، ناصر، اخلاق اسلامی در نهج البلاغه، نسل جوان، قم، اول، ۱۳۸۵ هـ.ش.
۳۴. مکارم شیرازی، ناصر، از تو سؤال می کنند، امام علی بن ابیطالب (علیه السلام)، قم، دوم، ۱۳۸۷ هـ.ش.
۳۵. ورام بن ابی فراس، مسعود بن عیسی، مجموعه ورام، قم، اول، ۱۴۱۰ هـ.ق.

